

شرح صدر در قرآن کریم و عوامل آن

مریم حاجی عبدالباقی^۱

زهرا حاجی علی بیگی^۲

چکیده

اولین شرط در سیر الی الله و باب ورود به هدایت الهی «شرح صدر» است. «شرح صدر» به عنوان موهبتی الهی حکایت از گستردگی روح و وسعت و ظرفیت نفس انسان در طلب کمال دارد و از رسیدن به توانمندی روحی و معنوی او خبر می دهد. زمانی که استعداد پذیرش نور ایمان با بر طرف شدن موانع و رفع گرفتگی ها به فعلیت برسد و ظرفیت وجودی انسان برای پذیرش حق آماده و سینه گشاده گردد، «شرح صدر» رخ داده است. «تدبیر در قرآن»، «ذکر»، «تسبیح» و «دعا» از عوامل تقویت شرح صدر و «هدایت الهی»، «آراسته شدن به نور عقل و کمال»، «دل کندن از مادیات دنیا» و «عفو و گذشت» از ثمرات شکوفایی این ملکه زیبای نفسانی در وجود انسان است.

کلید واژه‌ها: شرح صدر، قرآن، ضیق صدر، ایمان، هدایت، حرج

^۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

^۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

به طور کلی آموخته های انسان در مرحله اول در حافظه نقش می بندد و زمانی این آموخته ها در وجود انسان به علم تبدیل می شود و از حالت اندوختن دانش به جزیی از وجود انسان مبدل می گردد که وارد قلب گردد و این امر نیازمندی شدن مراحل هم چون «کشف، بیان مسئله، شرح و توضیح و تأویل»^۱ در درون شخص برای «گشاده شدن سینه» است. در پژوهش حاضر، نگارنده به توصیف شبکه معنایی و مفهوم واژه «شرح صدر» پرداخته و در جستجوی کشف معنای دقیق این واژه و معانی مختلف آن و بیان راه های کسب شرح صدر و موانع آن و نیز آثار و برکات شرح صدر در زندگی فردی و اجتماعی انسان، برآمده است. باید گفت به طور کلی «شرح صدر» در قرآن در دو وجه معنایی: الف) «باز شدن راه هدایت به روی قلب و ب) «گشایش ظرفیت» بکار رفته است. در پژوهش حاضر، با مطالعه پیرامون روش تحقیق موضوعی در قرآن و بررسی کتب و مقالات مرتبط درباره «شرح صدر» در قرآن و عوامل آن، مطالعه گسترده صورت پذیرفت و نگارنده این مراحل را به روش تحقیقی - توصیفی به انجام رسانده است.

زمینه قرآنی و روایی

در قرآن کریم واژه «شرح صدر» پنج مرتبه بکار رفته است:

۱. فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ.^۲

۲. قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي.^۳

۳. أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ.^۴

۴. أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ.^۵

۵. مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ.^۶

^۱ مجازا شرح الشيء: قولهم شرح الله صدره لقبول الخير أي وسعه لقبول الحق فاتسع.

^۲ . انعام/ ۱۲۵

^۳ . طه/ ۲۵

^۴ . زمر/ ۲۲

^۵ . انشراح(شرح)/ ۱

^۶ . نحل/ ۱۰۶

مفهوم «شرح صدر» در موارد متعددی در کلام معصومین علیهم السلام به ویژه پیامبر اسلام (ص) بکار رفته است. چنانکه نقل شده است: زمانی که آیه شریفه «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ...»^۱ نازل شد، از رسول خدا (ص) درباره مفهوم «شرح صدر» در این آیه سوال شد، حضرت فرمودند: «نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ فَيَنْشَرُ لَهُ صَدْرَهُ وَيَنْفَسِحُ»؛ «شرح صدر» نوری است که خدا در دل مؤمن می افکند و سینه اش را به وسیله آن گشایش و روشنی می بخشد. از حضرت پرسیدند: آیا این نور نشانه ای هم دارد؟ فرمود: «نعم، الإِنَابَةُ إِلَى دَارِ الْخُلُودِ وَ التَّجَافِي عَنِ دَارِ الْغُرُورِ وَ الإِسْتِعَادَادَ لِلْمَوْتِ قَبْلَ نُزُولِ الْمَوْتِ؛ آری، نشانه آن، توجه به سرای جاویدان و دامن برجیدن از خانه فریب (زرق و برق دنیا) و آماده شدن برای مرگ است؛ قبل از آن که فرا رسد.»^۲

معنا و مفهوم شرح صدر

واژه «صدر» مذکر و جمع آن «صدور»^۳ و در لغت به معنای قسمت بالا و فراخ سینه انسان است و در اصطلاح به معنای ابتدا، بالاترین و مقدم بر هر چیزی به کار می رود. با توجه به این مفهوم، «شرح صدر» به معنای «وسعت و گشادگی»^۴ «بیان و روشنگری»^۵، «افزایش ظرفیت و حوصله» است و آیه شریفه «رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي» نیز بیانگر آن است که حضرت موسی (ع) با درخواست فزونی ظرفیت و گشادگی سینه از خداوند در مسیر تبلیغ و انجام مأموریت الهی خویش نه تنها احساس سنگینی و وحشت نکرد، بلکه با آغوش باز از آن استقبال نمود. در واقع حضرت موسی (ع) سینه انسان را که محل قرار گیری قلب است، ظرفی فرض نموده که مشاهدات و ادراکات انسان به آن وارد شده و در آن جا جمع می گردد و با گشادگی سینه گنجایش آن بالاتر رفته و افزایش می یابد؛ لذا ایشان از خداوند طلب سعه صدر و افزایش تحمل می نمایند^۶ که یکی از ضروری ترین مستمسک های انبیا و رهبران الهی برای یافتن توفیق در مسیر رسالت و امامت است و در ابعاد فردی و اجتماعی خود را نمایان می سازد؛ آنگونه که به هادیان الهی، قدرت و توان تحمل مخالفان و کارشکنان را اعطاء می کند.

به عبارت دیگر، این گشایش صدر در مسیر هدایت انسان، نوعی گستردگی روحی و توانمندی معنوی برای او به وجود می آورد که از نتایج ارزشمند آن، تجلی ایمان در قلب و هدایت الهی است که اولین شرط سیر الی الله بشمار

^۱ . انعام/۱۲۵

^۲ . طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۶۱

^۳ . قرشی، قاموس الحیط، ج ۲، صص ۱۳۸-۱۳۷. «الصدر: واحد الصدور. آل عمران/۱۱۹؛ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ- مراد از صدر در آیه آمده است: منظور سعه و ضیق قلب است؛ بعضی ها به اعتبار آن قلب در سینه را صدر گفته اند و بعضی ها قلب را به معنی «نفس» گرفته اند، به دلیل درک و فهم که برای نفس است نه قلب؛ قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۱۱۴

^۴ . فراهیدی، العین، ص ۹۰۲

^۵ . ابن درید، الإشتقاق، صص ۹۱، ۱۱۴

^۶ . پورسیف، خلاصه تفسیر قرآن، ص ۶۶۷

^۷ . همان

می رود؛ علامه طباطبایی در این باره می گوید: «اولین شرط برای سیر الی الله همان شرح صدری است که به عنوان موهبتی از جانب خداوند در سینه پیامبر اسلام (ص) به ودیعه نهاده شد. به گونه ای که این «شرح صدر» در وجود آن حضرت شرایطی را پدید آورد که توانست معارف وحی الهی را به طور کامل دریافت و به مردم ابلاغ نماید و با تحمل تمامی رنج ها و سختی های این مسیر، نفس مقدس ایشان مستعد پذیرش همه فیوضات الهی گردید و توانست رسالت بزرگ خداوند را به انجام رساند.^۱

مفسران و محققان علاوه بر معنای تحمل، حوصله داشتن، ظرفیت وسیع و صبر، «شرح صدر» را داشتن سینه ای فراخ، لبریز از بردباری و دانش و حکمت^۲؛ نیز تفسیر کرده اند. به عبارت دیگر شرح صدر «گشوده شدن سینه برای پذیرش حقیقت و باز شدن درهای هدایت الهی به قلب انسان است به گونه ای که با تابیدن نور ایمان در قلب مؤمن، او تسلیم و پذیرای سخن حق خداوند^۳ و احکام او می گردد؛ «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»^۴ خداوند کسی را که بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای پذیرش اسلام می گشاید. البته گفتنی است در اصطلاح قرآنی باز شدن سینه و آمادگی قلب در برابر کفر نیز «شرح صدر به خاطر کفر» نامیده شده است. بنابراین با شرح صدر یا انسان به روی اسلام و ایمان واقعی معطوف گشته و تسلیم حق می گردد یا به عکس، آماده انکار حقیقت و حرکت به سوی کفر و پس زدن ایمان می شود. با توجه به این تعبیر، نقطه مقابل «شرح صدر»، «قساوت قلب و ضیق صدر» است که اموری همچون: «تنگی سینه، حرج، خشونت، تندی، دل بستگی به دنیا، گناه و...» از اثرات آن خواهد بود. امیر مؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه می فرماید: «مَنْ ضَاقَ صَدْرُهُ لَمْ يَصْبِرْ عَلَىٰ أَدَاءِ الْحَقِّ»^۵ هر کس ضیق صدر داشته باشد، ادای حق را بر نمی تابد. از این گونه آیات و روایات که ذکر گردید؛ دانسته می شود که پیامبر اسلام (ص) در تبلیغ قرآن هیچ گونه ضیق صدر نداشته و همواره شرح صدر در وجود مبارکشان تجلی داشته است چرا که شرط مهم رسالت و تبلیغ دین الهی همان «شرح صدر» است که مفهوم اخلاقی و تعلیم هدایت بخش بر جان پیامبر (ص) بشمار آمده و ایشان را نمونه انسان کامل در زندگی فردی و اجتماعی ساخته است.

مراتب و انواع شرح صدر

شرح صدر در انسان مؤمن موجب می گردد که آستانه تحمل فرد افزایش یابد و ماهیت آن بستگی به نوع رفتار آدمی، بینش و نگرش فرد به هستی، منش، اخلاق، توانایی های معنوی و جسمی و شرایط علمی و دانش فرد دارد. هر چه تعاملات فرد با افراد جامعه بیشتر باشد، شرح صدر نیز بیشتر تحقق می یابد. علاوه بر این که درک معارف و

^۱ طباطبایی، میزان، ج ۲۰، ص ۴۴۹

^۲ قاسم پور، مقاله مبانی و شاخص های رشد معنوی انسان در قرآن، ص ۱۱۱

^۳ طبرسی، مجمع البیان، ج ۲، ص ۳۶۳

^۴ انعام/۱۲۵

^۵ نهج البلاغه

حقایق اسلام از لوازم شرح صدر بوده و با پاکی نهاد انسان ارتباط دارد. شرح صدر به معنای گشاده و گسترده بودن سینه، مراتبی دارد؛ گاه در مسیر خیر و گاه در مسیر شرّ. زمانی که در مسیر خیر باشد، مصداق آیه «خداوند هر کسی را بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای پذیرش اسلام می گشاید.» است و زمانی که در مسیر شرّ قرار گیرد مصداق این بخش از آیه است «آنان که سینه برای پذیرفتن کفر گشاده اند؛ خشمی سخت از سوی خداوند بر آنان است و آنان را عذابی بزرگ خواهد بود.»^۱ پس شرح صدر همان نورانیت و سبب یقین و زهد است. نورانیتی که خداوند متعال در آیه نور ذکر می فرماید و مصداق آن همان نور امام (ع) است. در روایت آمده: «این همان نوری است که قلب مؤمن را روشن می کند؛ بواسطه این نور مؤمن به یقین، ثبات قدم، حیات طیبه و همه خیرات دست می یابد.»^۲

عوامل و شرایط و فواید شرح صدر

در زمینه لوازم و شرایط ایجاد و حصول گشادگی سینه می توان به برخی امور اشاره کرد که در ایجاد شرح صدر مؤثر بوده و آن را در وجود انسان تقویت می سازد تا آنجا که ظرفیت وجودی برای پذیرش سخن حق را داشته باشد، عواملی همچون: ۱. تدبیر در قرآن ۲. ذکر و یاد خداوند ۳. تسبیح و عبادت ۴. دعا و طلب از خداوند ۵. ایمان ۶. معرفت ۷. عبادت ۸. عمل صالح ۹. خودسازی ۱۰. تهذیب نفس ۱۱. پرهیز از گناه و ۱۲. پرهیز از غذای حرام. «افزایش آستانه صبر و تحمل، هدایت پذیری، نورانیت قلبی و الهی، آسانی در کارها، رحمت الهی، یاد و ذکر خداوند و تسلیم در برابر خداوند رحمان» از مهمترین آثار شرح صدر است که در آیات متعددی از قرآن از جمله «۱۲۵ انعام، ۲۵ طه، ۱ انشراح و ...» به آن اشاره شده است؛ علاوه بر این می توان از دیگر آثار و فواید شرح صدر را اینگونه برشمرد:

۱. شرح صدر برای فرد مؤمن هدایت الهی است. «فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ»^۳ خداوند هر که را بخواهد هدایت کند، سینه اش را برای پذیرش اسلام گشاده می گرداند.
۲. دومین فایده شرح صدر آراستگی به نور الهی است که با گستردگی روح همراه بوده و کنایه از توانمندی روحی و معنوی برای انسان مؤمن و حکایت از همان ظرف علم و عرفان است، همان توسعه ای که باعث می شود انسان هر حقی را بپذیرد و به آن عمل کند. این نور الهی ناشی از همان روشنایی قلب است.^۴
۳. گشادگی چهره از دیگر فواید شرح صدر است که می تواند بر اثر گشادگی قلب و دل انسان بیشتر از همه اعضا و اندام معلوم و مشخص باشد، چنان که رسول خدا(ص) مظهر تام و تمام شرح صدر هستند.

۱. نحل/۱۰۶

۲. کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۴

۳. انعام/۱۲۵

۴. طباطبایی، المیزان، ج ۷، ص ۳۴۱

۴. عطوفت و لطف یکی دیگر از نتایج شرح صدر بشمار می آید؛ فردی که روحش عظمت یافته، مهر و عطوفتش شامل دیگر افراد نیز میشود.

۵. عیب پوشی از نشانه های فردی است که شرح صدر یافته چنین فردی پرده دری ننموده و کسی را رسوا نمی کند.

۶. بردباری، شکیبایی و فرو خوردن خشم در برابر مشکلات و سختی ها نیز از دیگر نشانه های شرح صدر است که نمونه بارز آن وجود مبارک پیامبر اسلام(ص) است. ایشان در مقابل تمامی سختی ها و آزار دشمنانش بیشترین صبر و شکیبایی را از خود نشان دادند.

۷. از دیگر نشانه های شرح صدر؛ انصاف است؛ انصاف یکی از لوازم اساسی برای مدیریت و از ضروریات رهبری بشمار می آید و داشتن انصاف و عدالت چنان که پیامبر اکرم(ص) تأکید داشتند حتی در نگاه کردن نیز باید رعایت شود چنان که ایشان در نگاه به اصحابشان نیز عدالت و انصاف و مساوات را رعایت می کردند.

۸. آرامش و وقار از دیگر نشانه های شرح صدر است. زمانی که شرح صدر در وجود انسان به وجود بیاید، در رفتار و کردار وی بروز خواهد داشت.

۹. قبولی و پذیرش اسلام؛ از دیگر فواید شرح صدر است. «صدر» مرتبه اولیه و ظاهری قلب است و قابلیت پذیرش اسلام و تسلیم در برابر آن را دارد که همان وسعت و گشادگی روح و سعه صدر برای فرد مؤمن محسوب می شود. چنان که حضرت علی(ع) و حضرت خدیجه(س) اولین مرد و زن مسلمان بعد از دعوت مخفیانه پیامبر(ص) بودند.

۱۰. روح بلند و متعالی یافتن یکی دیگر از ثمرات شرح صدر است؛ کسی که شرح صدر داشته و دارای ایمان بالایی است؛ خداوند متعال روح باز و بلند به وی عنایت نموده است همانند سید الشهداء حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) که به عنوان رهبر و امام سوم شیعیان، از جان و مال و حتی افراد خانواده و یاران با وفایش در کربلا گذشت.

۱۱. اطمینان و آرامش قلبی نیز از نتایج شرح صدر بشمار می آید؛ در دعای ماه مبارک رمضان می خوانیم: «یا منزل السَّکِیْنَةِ فی قُلُوبِ؛^۱ انسانی که قلبش به نور حق و ایمان روشن گردد؛ به آرامش و اطمینان قلبی در سایه شرح صدر دست می یابد، همان گونه که خداوند در قرآن کریم می فرماید: «أَلَا بِذِکْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۲.

۱۲. عفو و گذشت از دیگر ثمرات شرح صدر است، انسانی که ظرفیت وجودی بالایی داشته باشد، در انتقام و عقاب عجله نمی کند و تا جایی که بتواند می بخشد، «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ...»^۳ به (برکت) رحمت الهی در برابر آنان نرم و مهربان شدی و اگر خشن و سنگدل بودی از

^۱. قمی، مفاتیح الجنان، دعای بیستم ماه رمضان، ص ۳۱۸

^۲. رعد/۲۸

^۳. آل عمران/۱۵۹

اطراف تو پراکنده می شوند...» نمونه کامل عفو و گذشت را در شخصیت والای حضرت علی (ع) به خوبی می توان دریافت که با دوستان مروت و با دشمنان مدارا می نمود.

۱۳. آسانی در کارها و رهایی از سختی ها از فواید شرح صدر است؛ رهبران الهی با داشتن این ملکه وجودی در برابر طوفان مشکلات و مخالفت ها و لجاجت ها و تکالیف سخت و طاقت فرسا تحمل داشته و صبوری می کردند و با امید به تجلی آسانی ها در بحبوحه سختی به انداز و تبشیر امت ها پرداخته و رسالت عظیم خویش را به پایان می رساندند. (رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي).^۱

۱۴. تلاش و کوشش مستمر و مداوم فایده دیگر شرح صدر است. کوشش و تلاشی که با قرار گرفتن در سمت و جهت الی الله به واسطه اخلاص و داشتن عشق و رغبت به ثمر نشسته و سزاوار و لایق دریافت عنایات خداوند پاک و منزه می گردد. (و إِلَى رَبِّكَ فَارْغَبْ)^۲

۱۵. امدادهای غیبی و رنگ خدایی یافتن از نتایج شرح صدر است؛ چنان که با کمک این امدادها و نزول فرشتگان و ایجاد ترس و رعب در دل دشمنان، سنگینی بار رسالت از دوش انبیا برداشته می شد. نقش شرح صدر و ثمرات آن در رسالت انبیا الهی به ویژه رسول مکرم اسلام (ص) به صورت کامل و ملموسی در تمام دوره ها قابل مشاهده بوده است چنان که شرح صدر (سعه صدر) از ابزار مدیریت و لازمه وجودی هر رهبری بیان شده است؛ حضرت علی (ع) می فرماید: «آله الریاسی سعه الصدر».^۳

۱۶. ایمان به خداوند از دیگر نتایج شرح صدر بشمار می آید؛ فردی که به خداوند یکتا ایمان دارد و از خداوند و رسولش اطاعت و فرمانبرداری می کند و به آخرت و روز حساب و معاد نیز معتقد است، این ایمان هدیه الهی به او محسوب می شود که در اثر دین باوری و تسلیم در برابر حق، روح مومن باز و گسترده شده و ظرف وجودی او برای پذیرش کلام خداوند متعال تشریح و وسعت یافته تا بتواند شایسته هدایت الهی باشد و حتی جسم هم با تمام و اعضاء و اندام و قلب خداوند را ستایش نموده و بپرستد. در این مرحله از موارد و مطالب بیان شده به این نتیجه می رسیم که نتیجه شرح صدر با عقیده به اسلام، دست یافتن به «شرح صدر واقعی» است که ایمان و عدم وابستگی به دنیا را می رساند و همان دل کندن از دنیای ظاهری و آخرت محوری و زهد است. همچنین، شرح صدر نوری است که خداوند متعال در دل مؤمن می افکند و سینه اش را بوسیله آن گشایش و روشنی می بخشد. این نور نشانه‌هایی دارد که از جمله آن می توان به «توجه به سرای جاویدان و دامن برچیدن از زرق و برق دنیا و آماده شدن برای مرگ» اشاره نمود.^۴ همچنین خداوند برای هدایت انسان و تسلیم نمودن قلب او در برابر حق، دل او را برای

۱. طه/۲۶-۲۵

۲. انشراح(شرح)/۸

۳. نهج البلاغه، حکمت ۱۷۶

۴. طبرسی، همان

اسلام تشریح می نماید. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «إِذَا دَخَلَ النُّورَ الْقَلْبَ انْفَتَحَ الْقَلْبُ وَ اسْتَوْسَعَ^۱: هرگاه نور الهی در دل مؤمن بتابد، دلش باز شده و وسعت می یابد. چنان که در آیه «أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِّن رَّبِّهِ^۲؛ شرح صدر در قلب انسان مؤمن همان نور الهی است که تجلی می یابد و انسان مؤمن مسلط بر نور و نور در زیر پای او خواهد بود.

مفهوم ضیق صدر

در مقابل واژه شرح صدر، ضیق صدر را داریم که در اصطلاح قساوت قلب نامیده می شود. خداوند متعال آن فرد را که بخواهد گمراه سازد، سینه اش را آن چنان تنگ می نماید که گویا می خواهد به آسمان بالا رود؛ یعنی خدا افرادی را که نسبت به حق بی اعتنا هستند از هدایت محروم ساخته و دل هایشان را چنان می کند که گنجایش حق و صدق را نداشته باشد و روح این افراد آن قدر تنگ و محدود می گردد که هیچ راهی برای نفوذ حقیقت در آن باقی نمی ماند.^۳ بنابراین می توان دریافت، دل هایی که در برابر نور حق و هدایت الهی انعطافی از خود نشان نداده و نرم نمی گردد و تسلیم در برابر حق نشده و نور هدایت در آن نفوذ نمی کند، قلب های قساوت مند یا قاسیه هستند؛ سنگدلی که همان معنای قساوت قلب در زبان فارسی است، در مقابل شرح صدر و به معنای گشادگی سینه و فراخی روح قرار می گیرد که این گستردگی کنایه و حاصل از همان آمادگی برای پذیرش است.^۴

واژه قاسیه از ماده «قسوة» به معنی خشونت، سختی و نفوذ ناپذیری است و سنگ های سخت و خشن را نیز "قاسی" می نامند. در قاموس قرآن قساوت به معنای سنگدلی آمده^۵، همانند راغب اصفهانی که قساوت را به معنی سختی و نفوذ ناپذیری قلب بیان کرده که اصل آن از «حَجَرَ قَاسٍ» به معنای سنگ سخت و نفوذ ناپذیر است.^۶

در قرآن کریم نیز آمده است: «فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ؛ پس وای بر آنان که از قساوت و شقاوت، دل هایشان از یاد خداوند غافل است». بنابراین کسانی که شرح صدر ندارند، از نور الهی بی نصیب بوده، همچون کوردلانی هستند که نور هدایت به قلب شان راه نیافته و قلب هایی سخت و مقاوم در برابر ذکر خداوند دارند، پس در گمراهی آشکار به سر می برند و اینان همان کسانی هستند که دل هایی مضطرب و لرزان و سخت دارند آن گونه که به یاد خداوند یکتا اهمیتی نمی دهند.

^۱. طوسی، امالی، ص ۵۳۲

^۲. زمزم/۲۲؛ در تفسیر قمی نزول این آیه درباره حضرت علی (ع) گفته شده است رک: مطلع الأنوار، عادل نادر علی، ص ۵۰۲

^۳. انعام/۱۲۵

^۴. پورسیف، خلاصه تفسیر قرآن، ص ۳۰۱

^۵. مکارم شیرازی، ج ۱۹، صص ۴۲۵-۴۲۶

^۶. قرشی، قاموس قرآن، ج ۶، ص ۸

^۷. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ص ۴۰۴؛ ذیل واژه «قسو»

رابطه قلب و صدر و عقل

«شرح صدر» مرتبه اولیه و ظاهریه برای قلب است و قابلیت پذیرش هم اسلام و هم کفر را دارد. از نظر راغب اصفهانی، «قلب» اشاره به عقل و علم دارد و «صدر» افزون بر این ها شامل سایر قوای شهویه، غضبیه و غیره می-شود. با توجه به آیات و روایات می توان دریافت که قلب جایگاهی برای وجود ایمان و کفر است که از مصادیق ایمان، پیامبر(ص) و از نمونه های کفر ابوجهل را می توان نام برد. طبرسی می نویسد: یکی از نعمت ها و موهبت هایی که خداوند متعال بر قلب پیامبراکرم (ص) اعطاء فرمود، نور علم، توأم با وحی الهی بر پایه رسالت بزرگ ایشان بود و با همان قدرت تحمل و شکیبایی و مدارا بر قلب و جان پیامبر(ص) وسعت داده شد تا بتواند به خوبی مسئولیت هدایت و رهبری امت اسلامی را بر عهده گرفته و در برابر رنج ها و ناراحتی ها شکیبایی و صبر داشته و در برابر رسالت عظیم خویش با هدف خشنودی خداوند سبحان و سعادت و تکامل بشر به موفقیت برسد.^۱ بنابراین می توان گفت: هر چه خداوند را بیشتر بندگی کنیم، خداوند هم بیشتر به ما لطف و مهربانی می نماید؛ به دیگر سخن هرکس برای خداوند باشد، خداوند نیز برای اوست.^۲ کسی که سینه اش «شرح صدر» داده شده با کسی که این گونه نیست و به عبارتی دارای قساوت قلب است؛ برابر و مساوی نخواهد بود. آیت الله دستغیب قساوت را نوعی «سختی و صلابت» می داند و معتقد است که قساوت نوعی بیماری است که در قلب انسان مبتلا عارض و ایجاد می شود و با وجود آن انسان حق را پذیرا نشده و در برابر آن تسلیم نمی گردد؛ در چنین قلبی، خشوع و خضوع برای پذیرفتن حق و حقیقت ایمان یافت نشده و لطائف و نرمی ها که باعث رقت و نرمی قلب است؛ در آن اثری ندارد.^۳

تجافی

تجافی به معنای دست ها را بر زمین گذاردن و زانوها را از زمین برداشتن است و به حالت نیم خیز و آماده برای حرکت، گفته شده است.^۴ برای «شرح صدر» علامت های علمی و عملی بیان شده چنان که امام سجاده(ع) در شب بیست و هفتم ماه مبارک رمضان تا صبح از خداوند درخواست می نمود که به ایشان توفیق دهد که نسبت به دنیا همیشه آماده برخاستن باشد و از دنیا پرواز نماید[آماده شدن برای زمان مرگ] که این حالت را «تجافی عن دارالغرور» گویند.^۵ همان گونه که برای پیامبران و انبیاء الهی پیش آمده، نمونه هایی از شرح صدر برای بزرگان نیز رخ داده و شرح صدر در مسائل فردی و اجتماعی به روشنی مشهود و آشکار است. جریان برای محمد تقی

^۱ . طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۶، ص ۱۱۶۲

^۲ . حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۸۵

^۳ . دستغیب شیرازی، قلب سلیم، ص ۱۹۴

^۴ . طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۸۸، ذیل واژه «ج ف ا»

^۵ . جوادی آملی، ج ۱، ص ۱۲۹

مجلسی پدید آمده که بیان آن خالی از لطف نیست: «هنگامی که ایشان مشغول مطالعه کتاب های تفسیری بودند و در معارف قرآنی سیر و سلوک داشتند، نوشته‌اند شبی در خواب و بیداری به خدمت حضرت محمد(ص) رسیدم که این فرصت را غنیمت شمردم تا به صفات و کمالات ایشان توجه کنم؛ عظمت و نور الهی برای من پیدا شد و در این فضای لبریز از صفات بی نظیر در آمدم، همین که از این حالت خارج شدم به صفت ها و ویژگی های حضرت دقت بیشتری داشتم که بعد از این ماجرا، امواج بی شماری از معارف به قلب من سرازیر و افاضه شد.^۱

روایتی از پیامبر اسلام(ص) وجود دارد مبنی بر این که هرگاه بنده ای گناه می کند نقطه ای سیاه بر دلش باشد، بنابراین اگر آن بنده توبه کند و برگردد و آن نقطه را ریشه کن کند و طلب آمرزش نماید، دلش از آن سیاهی پاک و قلبش نورانی گردد (به شرح صدر واقعی برسد) و اگر توبه نکرد و طلب آمرزش ننمود، گناه بالای گناه باشد؛ یعنی سیاهی بالای سیاهی قرار می گیرد؛ به طوری که همه دلش را سیاهی بپوشاند، به واسطه پرده های زیاد گناه بر آن، دلش می میرد.^۲ از میان علمای متاخر، آیت الله بروجردی شرح صدر را منوط به سه عامل معرفی می کند: الف) به دلایل قویه ای که پروردگار بیان نموده است، ب) به الطافی که برای او حالی بعد از حال دیگر به دست می آید. ج) به تأکید ادله و حلّ شبهات و دفع توهمات ادله به نور الهی تشبیه می شود. ایشان بر شرح صدر واقعی برای فرد مؤمن تکیه و تأکید داشته و فرموده‌اند: «شرح صدر» با ادله حق شناخته شده و به نور روشنایی امور دنیا دیده و شناخته می شود. در این باره خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «فویلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبِهِمْ مِّنْ ذِكْرِ اللَّهِ»^۳ در تفسیر این آیه آورده اند که در حق ابوجهل وارد شده است که در اثر قساوت و شقاوت دل؛ از ذکر و یاد خداوند فارغ و غافل است.^۴

به طور کلی می توان تنگی و عدم شرح صدر، غفلت، ضیق صدر، لجاجت و قساوت قلب، انحراف و گمراهی، کفر به خداوند متعال، جهل و دنیا پرستی را از مهم ترین موانع شرح صدر دانست که می تواند باعث شرح صدر در کفر باشد. زیرا دین الهی تمامی معارف نظری و عملی را داراست و این علوم می تواند انسان را به مراتب عالی قرب و کمال الهی برساند. قلب سلیم (برای فرد مؤمن) قلبی است که وقتی به ملاقات خدا می رود جز ذات خداوند متعال در آن راه پیدا نمی کند.^۵

حرج

^۱ . مجلسی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، ج ۱۳، ص ۱۲۷

^۲ . دیلمی، ارشادالقلوب، ج ۱، ص ۱۱۴

^۳ . نحل/ ۱۰۶

^۴ . بروجردی، تفسیر جامع، ج ۶، ص ۷۳

^۵ . کلینی، ج ۲، صص ۱۶-۱۵

«حرج» به معنای تنگی؛ تنگنا و جای تنگ آمده است.^۱ چنان که روشن است، نقطه مقابل نور، تاریکی به تعبیر قرآن، نقطه مقابل شرح صدر؛ ضیق صدر است. تنگی و حرج صدر برای سینه ای است که کاملاً بسته می شود و دیگر هیچ خیری در آن وارد نمی گردد چون همه راه های ورود خیرات بر او بسته شده است. در قرآن کریم آمده است: «خدای متعال راه های ورود خیرات؛ انوار و هدایت ها را به این گونه قلوب می بندد و بر آن مهتری می زند. از این روست که انسان به رجس مبتلا شده و انواری که او را به یقین و آرامش، امنیت و تسلیم در برابر خداوند می-رساند؛ در این گونه قلب وارد نمی شود.^۲

رجس

رجس در لغت به معنای هر چیز نجس،^۳ شک، کفر، لعنت، عذاب و هر چیز زشت و قبیح آمده است^۴ و در قرآن در معانی متعددی مانند پلیدی، نجاست و عذاب بکار رفته است. «رجس» همان چیز مکروه و قبیحی است که در عرف سالم و نزد عقل صحیح به شدت نامناسب و نالایق دیده شود، خواه مادی یا معنوی باشد. علامه طباطبایی در این باره در تفسیر آیه ۱۲۵ سوره انعام آورده است: «خداوند متعال، ضلالت و گمراهی را مساوی با بی ایمانی می داند که همان پلیدی و ناپاکی است. «علم و دانش» مؤثرترین عامل و انگیزه اطاعت انسان از خداوند سبحان است و بهترین مشوق و راهنمای او برای عبادت بشمار می رود. انسان از مجرای بینش علمی به صله رحم و حفظ ارتباط و پیوند با خویشاوندان و دوستان می رسد و از رهگذر آن به شناخت راه صحیح و حلال و حرام موفق می گردد. اگر بیماری های درونی بر طرف نگردد، آن چه سبب هدایت از جهت تعلیمی است، نتیجه عکس دارد همان گونه در آیات و روایات و اخبار آمده است، که برنامه تزکیه انبیاء و اولیاء الهی در دو مرحله بیرونی و درونی پیگیری می-شود، به عبارت دیگر می توان گفت: برای پاک شدن نفس و بارور شدن اعتقاد و عمل لازم است تا موانع از سر راه برطرف شود؛ موانعی که مربوط به اعضاء و قلب است و باید از گناهان دور باشد.^۵

مسئله هدایت و ارشاد مردم به عنوان هدف بعثت و رسالت پیامبران همچون بحث ریزش باران است؛ این گونه که هر زمین در برخورد باران با توجه به جنس و ماهیت خود، واکنش و عملکرد متفاوتی از دیگری دارد چنان که در مناطق پاک و پاکیزه با آمدن باران زمین آب را در خود نگه داشته و باعث رویش گیاهان و سبزه های فراوان

^۱ . بندر ریگی، منجد الطلاب، ص ۹۲

^۲ . مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۲۳۶

^۳ . ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۹۵

^۴ . همان، ج ۷، ص ۲۱۲؛ مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، صص ۵۷-۵۶

^۵ . انعام/۱۲۵؛ کذلک یجعل^۶ الله الرجس علی الذین لا یؤمنون؛ خداوند پلیدی را بر دل کسانی که ایمان ندارند قرار می دهد؛ خدا آنها را تنگدل می کند، پلیدی و عذاب را بر آنها می افکند که خود مستحق آن هستند، به عبارتی گرفتار اضلال می

شوند؛ طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۵۶۲

^۶ . دستغیب شیرازی، قلب سلیم، ص ۷۹

می‌شود؛ یا باران در برخورد با زمین های سخت که آب در آن ها نفوذ نمی کند، فرو نمی رود و ثمری ندارد و یا در برخورد با زمین های پست و شوره زار نه آب را می بلعد و نه گیاهی در آن رشد می کند. با توجه به این تشبیه می توان دریافت که هدایت و ارشاد نیز در افراد متفاوت است چنان که برخی افراد باران هدایت الهی را در خود پذیرا نبوده و نگاه نمی دارند و چنان سخت و غیر قابل انعطاف هستند که سرشان را بالا نگرفته و به ایمان و بصیرت دینی نمی رسند.^۱

نتیجه گیری

یکی از مفاهیم اخلاقی که در قرآن و تعالیم اهل بیت(ع) بسیار بر آن تأکید شده «شرح صدر» است. شرح صدر ابزاری است که پیامبران الهی در مسیر رسالت خویش از آن بهره می گرفتند و در سایه این موهبت الهی، به تبلیغ دین و ارشاد مردم می پرداختند. مطالعه پیرامون شرح صدر نشان می دهد که این سعه وجودی به وسیله هدایت ویژه الهی بهره کسانی می شود که اوامر الهیه را اطاعت کرده و در مسیر اعتقادات حقه و اعمال صالح قدم برداشته اند. در نتیجه، وجودشان سرشار از نورانیت درونی گشته و هر مقدار علوم و معارف الهی به سوی آن ها سرازیر گردد، پر نشده و گنجایش بیش از آن را دارند و در بُعد عملی نیز تحمل هرگونه سختی و مشکلات را دارند که با آن توان تشخیص حق از باطل را داشته و در پرتو آن به آسانی اعمال نیک را انجام می دهند. هر مسلمانی می بایست با شرح صدر سایر افراد به ویژه مسلمانان دیگر را تحمل نماید و نیز با پیروان سایر ادیان آسمانی به صورت مسالمت آمیز و صبر و رقت رفتار کند و با استعانت و پیروی از سیره و سنت پیامبر اعظم (ص) و اهل بیت (ع) از سعه صدر برخوردار گردد.

«شرح صدر» به عنوان صفتی پسندیده برای رسیدن به کمال و کسب فیض از جانب خداوند سبحان است و اخلاق که یکی از مصادیق آن «سعه صدر» محسوب می شود، از مهمترین عوامل مؤثر در زندگی بشر به شمار می رود و بزرگترین و برترین عالمان برای پیشبرد اهداف مقدس الهی و هدایت جهانیان آراسته به این زینت الهی بوده اند. این ملکه زیبای وجودی اولین شرط و رمز موفقیت در امور است و به جای ترس و فرار از مسئولیت، امکانات و مقدمات و ابزار آن را باید از خداوند درخواست نمود. آشنایی عموم جامعه و خصوصاً جوانان با مفهوم شرح صدر به عنوان راهکاری برای حل مشکلات بسیار مهم و ضروری است. اهمیت این شرح صدر در برآوردن نیازهای معنوی بشر است و جایگاه آن در زندگی تمام افراد جامعه نمودی بارز و مشخص دارد. شرح صدر می تواند راه رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی باشد که برای دستیابی به سعه وجودی و جلوه های گوناگون آن، ملکاتی همچون صبر، حلم، شجاعت و... لازم است. بویژه برای هر رهبر، مدیر، مبلغ و به طور کلی هر کس که با مردم سر و کار دارد، داشتن شرح صدر امری لازم و ضروری محسوب می شود.

^۱ . مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، صص ۱۴۵-۱۴۴

انسان باید در برابر مشکلات و مصائب زندگی ظرفیت بالایی داشته و از راه تدبیر در قرآن، ذکر، دعا و تسبیح سعه صدر را در وجود خویش افزایش دهد و همانند پیامبران بزرگ الهی اوصافی که برگرفته از شرح صدر است، مانند حلم، صبر، بردباری، عفو و گذشت را به کار بگیرد تا همواره مسیر سعادت را بیاماید. نقش و جایگاه ارزشمند و اثرگذار شرح صدر در تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی و نیز ابعاد رفتاری انسان بسیار مهم و قابل-توجه است و تأثیرات بی نظیر و عمیق شرح صدر در ایجاد آرامش روحی و روانی و استقامت و صبر در برابر مشکلات و فشارهای درونی و بیرونی از اهمیت بسزایی برخوردار است. در دنیای شلوغ و پرهیاهوی امروز، در جهانی که در آن با گرایش‌های مادی، خصوصت‌ها، نگرش‌های ضعیف و جهان بینی‌های کوچکی مواجه می‌شویم، ترس‌ها، تزلزل‌ها و شکست‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است و بی‌ثباتی شخصیت، بی‌ثباتی در رفتار و نیز سرگردانی انسان امروز میان بایدها و نبایدها، بیش از پیش بر لزوم و ضرورت تقویت و کسب شرح صدر می‌افزاید.

از آنجا که علت و سبب این نوع رفتارها و مشکلات را در فقدان سعه وجودی افراد می‌توان جست؛ بدون تردید درمان این سرگردانی‌ها را هم در بروز و ایجاد شرح صدر باید جستجو نمود. انسان‌های دارای سعه وجودی، از افق دید روشنی برخوردار هستند؛ اهداف کلان خود را شناخته و به دنبال آن حرکت می‌کنند و برای دست یابی به آنها نهایت تلاش و کوشش را می‌نمایند. سعه وجودی به معنای وسعت یافتن شخصیت وجودی انسان است به گونه‌ای که هستی را در بر می‌گیرد و به جای این که محاط عالم و جهان باشد، محیط بر عالم و جهان می‌شود و از جایی بیرون از زمان و مکان هستی به هستی می‌نگرد.

هر شخص بسته به تلاش و کوششی که دارد، می‌تواند از وسعت وجودی در مراتبی از آن بهره‌مند شود و به همان میزان وسعت، در مسیر درست گام برداشته و تحلیل کامل و جامع تری از خود و دیگران و جهان آفرینش داشته باشد. دستیابی به شرح صدر تنها از طریق عبودیت امکان پذیر بوده و تنها راه به دست آوردن شرح صدر، اتصال کامل به وجود مطلق یعنی خداوند است. به دیگر سخن، انسان با عمل به آموزه‌های وحیانی شریعت و خلوص در عبودیت می‌تواند، اسماء سرشته در ذات خویش را از قوه به فعلیت درآورد و با فعلیت یافتن هر یک از اسماء و صفات الهی، متاله و خدایی گردد که در این مقام، نیازمند شرح صدر و خدایی شدن است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه حسین انصاریان؛ ناصر مکارم شیرازی
۲. ابن درید، محمد بن حسن، بی‌تا، الاشتقاق، بی‌نا، بیروت
۳. بروجردی، سید ابراهیم، بی‌تا، تفسیر جامع، بی‌نا، قم
۴. بندر ریگی، محمد، ۱۳۶۲ش، منجد الطالب (فرهنگ لغت) انتشارات اسلامی، تهران
۵. پورسیف، عباس، ۱۳۸۳، خلاصه تفاسیر قرآن مجید، نشر شاهد، بی‌جا
۶. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹ش، تفسیر قرآن، مرکز نشر اسراء، قم

۷. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۹ق، انتشارات آل البيت لاحیا، التراث، قم
۸. دیلمی، ابوالحسن، ۱۴۱۲ق، ارشاد القلوب، به کوشش هدايت الله مسترحمی، نشر رضی
۹. دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، ۱۳۶۱ش، قلب قرآن، انتشارات صبا، تهران
۱۰.، ۱۳۸۵ش، قلب سلیم، نشر آثار دستغیب، شیراز
۱۱. دلشاد تهرانی، مصطفی، ۱۳۷۹، دولت آفتاب: اندیشه سیاسی و سیره حکومتی علی (ع)، بی نا، بی تا
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ه، مفردات الفاظ القرآن، دار الشامیه، بیروت
۱۳. سید گیلانی، محمد، ۱۳۸۱ش، ترجمه مفردات، کتابخانه مرتضوی، تهران
۱۴. صادقی تبریزی، میرزا مهدی، ۱۳۷۴ش، تلخیص وسائل الشیعه، بی نا، تهران
۱۵. طباطبایی، سید محمد حسین؛ ۱۳۶۶ش، تفسیر فی القرآن العظیم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
۱۶. طبرسی، ابو علی فضل بن حسن، بی تا، مجمع البیان، مترجم: علی کرمی، نشر دارالمرتضی، بیروت
۱۷. طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵ش، مجمع البحرین، مکتب المرتضویه، تهران
۱۸. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن، ۱۳۸۸ش، امالی، مترجم: صادق حسن زاده، بی نا، بی جا
۱۹.، ۱۳۸۸ش، امالی، نشر اندیشه ها، قم
۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، العین، نشر هجرت، قم
۲۱. قرشی، سید علی اکبر، ۱۳۷۱ش، قاموس القرآن، دارالکتب الاسلامیه، تهران
۲۲. قمی، شیخ عباس، بی تا، مفاتیح الجنان، به کوشش محمد باقر کمره،
۲۳. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۴۰۴ق، تفسیر قمی، مؤسسه دارالکتب، قم
۲۴. مجلسی، محمد تقی، ۱۳۹۹ق، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، نشر فرهنگ اسلامی، قم
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶ش، تفسیر نمونه، تنظیم: احمد علی بابایی، دارالکتب الاسلامیه، تهران
۲۶. نادر علی، سید علی، بی تا، مطلع الانوار، بی نا، بی جا
۲۷. نهج البلاغه، بی تا، ترجمه صبحی صالح، بی نا، بی جا